



1. Corresponding Author, phd candidate in sociology, Faculty of social science, University of allameh tabatabayi, Tehran, Iran. E-mail: Morteza_ganji@atu.ac.ir
2. Associate professor, Department of sociology, Faculty of social science, University of allameh tabatabayi, Tehran, Iran. E-mail: entezari@atu.ac.ir
3. Associate professor, Department of sociology, Faculty of social science, University of allameh tabatabayi, Tehran, Iran. E-mail: saber_jafari@atu.ac.ir

Article type: Research Article

Article history:

Received

Received in revised form

Accepted

Published online

Keywords:

Iran.

Iranian Islamic Lifestyle,

Lifestyle,

Meta analysis,

Cite this article: Author, A. A., Author, B. B., & Author, C. C. (year). Article title. *Journal Title*, 56 (1), 1-20. DOI: <http://doi.org/0000000000000000>



© The Author(s).

DOI: <http://doi.org/0000000000000000000000>

Publisher: University of Tehran Press.



انتشارات دانشگاه تهران

بررسی مسائل اجتماعی ایران

فرا تحلیل کیفی مطالعات سبک زندگی ایرانی-اسلامی

مرتضی گنجی^۱ | علی انتظاری^۲ | صابر جعفری کافی آباد^۳

۱. نویسنده مسئول، دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی (ره)، تهران، ایران، رایانامه: Morteza_ganji@atu.ac.ir
۲. دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی (ره)، تهران، ایران، رایانامه: entezari@atu.ac.ir
۳. استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی (ره)، تهران، ایران، رایانامه: saber_jafari@atu.ac.ir

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت:

تاریخ بازنگری:

تاریخ پذیرش:

تاریخ انتشار:

کلیدواژه‌ها:

سبک زندگی، فراتحلیل کیفی،
سبک زندگی ایرانی-اسلامی،
ایران، شیوه زندگی.

همراستا با روند فزاینده توجه به مفهوم سبک زندگی در ادبیات علوم اجتماعی، پژوهش‌های بسیاری در حوزه سبک زندگی در ایران انجام گرفته و ادبیات پرحجمی تولید شده است. بخش قابل توجهی از این پژوهش‌ها در ارتباط یا ذیل عنوان سبک زندگی ایرانی-اسلامی صورت‌بندی شده‌اند؛ علی‌رغم این وضعیت، به نظر می‌رسد مقوله سبک زندگی ایرانی-اسلامی همچنان مشخص نشده و دارای ابهام است. بر همین اساس پژوهش حاضر با هدف پاسخ به این پرسش که پژوهش‌های پیشین حوزه سبک زندگی ایرانی-اسلامی چه برداشت و صورت‌بندی از این مفهوم ارئه داده‌اند؛ با استفاده از روش فراتحلیل کیفی به بررسی مطالعات صورت گرفته با عنوان سبک زندگی ایرانی-اسلامی پرداخته است. چارچوب مفهومی از طریق مرور دیدگاه اصلی‌ترین نظریه‌پردازان سبک زندگی و تشریح برخی برداشت‌های رایج از سبک زندگی ایرانی-اسلامی صورت‌بندی شده است. همچنین در این پژوهش کلیدواژه‌های سبک زندگی ایرانی، سبک زندگی اسلامی و سبک زندگی ایرانی-اسلامی در پرتال جامع علوم انسانی مورد جستجو قرار گرفته و ۲۱ مقاله که دارای معیارهای ورود به مطالعه بوده‌اند برای بررسی و تحلیل انتخاب گردیده است؛ این موارد از نظر روش تحقیق، مبانی نظری یا مفهومی، تعاریف و شاخص‌های سبک زندگی مورد توصیف و تحلیل واقع شده‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که غالب پژوهش‌های بررسی شده تعریف مشخص یا مرجعی از سبک زندگی ایرانی-اسلامی به دست نداده‌اند؛ صرفاً در چند مورد و به صورت تکراری به یکی از تعاریف نسبتاً رایج در این زمینه ارجاع داده شده است. در رابطه با شاخص‌ها و مولفه‌های سبک زندگی ایرانی-اسلامی نیز وضعیت به همین منوال بوده است؛ به طوری که در نهایت مخاطب این پژوهش‌ها به درک و برداشتی از ابعاد و مولفه‌های این مفهوم دست نمی‌یابد.

استناد: گنجی، مرتضی؛ انتظاری، علی؛ و جعفری کافی آباد، صابر (۱۴۰۵). فراتحلیل کیفی مطالعات سبک زندگی ایرانی-اسلامی. فصلنامه بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۲ (۴)، ۱-۲۰.

DOI: <http://doi.org/00000000000000000000000000000000>

© نویسندگان.

DOI: <http://doi.org/00000000000000000000000000000000>

ناشر: موسسه انتشارات دانشگاه تهران.

۱. مقدمه و بیان مسئله

سبک زندگی یکی از پرکاربردترین مفاهیم حوزه علوم اجتماعی طی دو دهه اخیر در ایران بوده است؛ این وضعیت از یک سو ناشی از فراگیر شدن مفهوم سبک زندگی در ادبیات حوزه جامعه‌شناسی در کشورهای اروپایی و آمریکا است که در چند دهه گذشته خاستگاه و پیشرو در این رشته بوده‌اند. و از سوی دیگر، از اهمیت تحلیلی و سیاسی این مفهوم در حوزه تخصصی علوم اجتماعی و حوزه عمومی ناشی می‌شود. به گونه‌ای که، طی دو دهه گذشته در ایران، هم جامعه‌شناسان و سایر متخصصان علوم اجتماعی برای تبیین و توضیح وضعیت و شرایط جامعه از مفهوم سبک زندگی بهره بسیاری گرفته‌اند؛ و هم سیاست‌مداران و کارگزاران سیاسی در سخنرانی‌ها و اظهارنظرهای خود بسیار به آن ارجاع داده‌اند. در همین زمینه برخی از صاحب‌نظران، کارشناسان، سیاست‌گذاران و مدیران اجرایی از مسئله‌مند شدن سبک زندگی سخن گفته‌اند. این اظهارات عمدتاً ناشی از مشاهده تغییرات بسیار پرسرعت، شدید و عمیقی است که در برخی مولفه‌های سبک زندگی مانند گذران اوقات فراغت، مدیریت بدن، پوشش، تعامل با حیوانات و... در زیست انسان ایرانی اتفاق افتاده است.

از سوی دیگر، مفهوم سبک زندگی طی سال‌های اخیر به قدری در حوزه‌ها و رشته‌های مختلف به کار رفته و درباره آن اثر تولید شده است که گویی برداشت واحد و مشترکی از آن وجود دارد. درحالی که، وقتی به مطالعه و بررسی عمیق‌تر این گونه منابع پرداخته می‌شود مشخص می‌شود که اکثریت غالب این موارد نه تنها تعریف مشخصی از سبک زندگی ارائه نداده و به نوعی آن را پیش‌فرض و بدیهی انگاشته‌اند بلکه به آشفتگی مفهومی درباره آن نیز دامن زده‌اند. این موضوع به ویژه از مسیر به کارگیری این مفهوم در حوزه‌های مختلف علمی از جمله مدیریت، الهیات، کلام، فلسفه، پزشکی، حقوق، روانشناسی، اقتصاد و... به وقوع پیوسته است. علاوه بر ابهامات نظری و علمی، مطالعات و بررسی‌ها گویای آن است که از نظر عملی نیز سبک زندگی در ایران امروز، بیش از پیش به امری مسئله‌مند تبدیل شده است؛ این مسئله‌مندی را می‌توان در همه عرصه‌های حیات اجتماعی رصد کرده و صورت‌بندی نمود. پژوهش‌های مختلف نیز از تغییرات یا مسئله‌مندی سبک زندگی در جامعه ایران سخن گفته‌اند (Vosoughi, 2015 & Nodeh Farahani, 2022 & Habibpour Gatabi, 2016).

در چنین بستری، استدلال برخی پژوهشگران این بوده است که تغییرات به وقوع پیوسته در حوزه سبک زندگی در جامعه ایران به نوعی جهت‌مند بوده و تناسبی با زیست ایرانی-اسلامی و سیاست‌های فرهنگی حاکمیت نداشته است (Nodeh Farahani, 2022). لذا این افراد تلاش داشته‌اند تا تعاریف و شاخص‌هایی بومی و مبتنی بر شرایط جامعه ایران از مفهوم سبک زندگی به دست دهند؛ این فعالیت‌ها عمدتاً با عناوینی مانند سبک زندگی اسلامی، سبک زندگی ایرانی، سبک زندگی ایرانی-اسلامی، سبک زندگی اسلامی-ایرانی و... صورت‌بندی شده‌اند. علی‌رغم سودمندی این گونه پژوهش‌ها، به نظر می‌رسد که مفهوم سبک زندگی در جامعه ایران همچنان مبهم و مناقشه‌برانگیز است؛ و تلاش‌های انجام گرفته برای ارائه برداشتی متناسب و همخوان با وضعیت تاریخی-اجتماعی جامعه ایران تاکنون چندان موفقیت‌آمیز نبوده‌اند. بر همین اساس، یکی از پرسش‌های اساسی قابل طرح این است که مفهوم سبک زندگی ایرانی-اسلامی در جامعه ایران در پژوهش‌های علمی چگونه تعریف و صورت‌بندی شده است. مبتنی بر وضعیت مذکور و در راستای پاسخ به چنین پرسشی، بررسی و تحلیل پژوهش‌هایی که با عنوان سبک زندگی ایرانی-اسلامی انجام گرفته‌اند و تلاش برای ارائه تصویری از کم و کیف آن‌ها، می‌تواند مسیر تحقیقات آتی در حوزه سبک زندگی را هموارتر سازد. همچنین، پرداختن به مفهوم سبک زندگی و بررسی پژوهش‌های صورت گرفته مبتنی بر آن می‌تواند نهادهای سیاست‌گذار و اجرایی را به سمت تدوین و اجرای طرح‌ها و برنامه‌های اثربخش و مبتنی بر نظام ارزشی انسان ایرانی رهنمون سازد. در همین راستا، این پژوهش با هدف فرا تحلیل مطالعات صورت گرفته ذیل عنوان سبک زندگی ایرانی-اسلامی انجام گرفته است.

۲. پیشینه پژوهش

بررسی پیشینه تجربی پژوهش در ایران نشان می‌دهد که طی حدود دو دهه اخیر مطالعات و پژوهش‌های بسیاری در زمینه پدیده سبک‌زندگی در قالب رشته‌های مختلف روانشناسی، مدیریت، بازاریابی، پزشکی، علوم سیاسی، جامعه‌شناسی و... انجام گرفته است؛ در این میان، پژوهش‌هایی که در قالب فراتحلیل به موضوع سبک‌زندگی پرداخته باشند، پر تعداد نیستند. جدول ذیل همه مقالات علمی-پژوهشی انجام گرفته با این عنوان که در پایگاه‌های داده مجلات تخصصی نور^۱، اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی^۲ و پورتال جامع علوم انسانی^۳ نمایه شده‌اند را فهرست نموده است.

جدول ۱. فهرست مطالعات فراتحلیل سبک‌زندگی

ردیف	عنوان پژوهش	مجری و سال	فصلنامه/نشریه
۱	فراتحلیل رابطه سرمایه فرهنگی و سبک‌زندگی	افرا، هادی و همکاران (۱۳۹۷)	جامعه‌شناسی کاربردی، سال ۲۹، شماره چهارم، پیاپی ۷۲
۲	فراتحلیل پژوهش‌های رابطه سبک‌زندگی و هویت اجتماعی در ایران در دهه ۱۳۸۸-۱۳۹۸	نوری، زهرا و همکاران (۱۳۹۹)	دوفصلنامه پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر، سال نهم، شماره ۱۶
۳	فراتحلیلی بر مطالعات سبک‌زندگی در ایران با تأکید بر مطالعه زنان و جوانان	نوروزی، میلاد و همکاران (۱۳۹۴)	مطالعات علوم اجتماعی ایران، سال دوازدهم، شماره ۴۷
۴	فراتحلیل مطالعات عوامل موثر بر سبک‌زندگی سلامت‌محور در ایران (سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۹۸)	بابایی‌فرد، اسدالله و همکاران (۱۴۰۰)	دوماهنامه علمی-پژوهشی فیض، دوره ۲۵، شماره ۲
۵	فراتحلیل کیفی جایگاه معماری در سبک‌زندگی مردم ایران	شفایی، مینو و همکاران (۱۴۰۳)	فرهنگ معماری و شهرسازی اسلامی، سال نهم، شماره ۲
۶	فراتحلیل مطالعات دین‌داری و سبک‌زندگی در ایران (پژوهش‌های منتشر شده در سال‌های ۱۳۹۵-۱۳۹۰)	حسینی‌زاده آرانی، سید سعید و همکاران (۱۳۹۶)	فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، سال هشتم، شماره ۳۳
۷	فراتحلیل مطالعات سبک‌زندگی در پژوهش‌های ایرانی	احمدی، یعقوب و همکاران (۱۳۹۸)	فصلنامه جامعه‌شناسی سبک‌زندگی، دوره ۵، شماره ۱۴
۸	ویژگی‌ها و شاخص‌های سبک‌زندگی اسلامی؛ یک فراتحلیل	جعفرزاده پور، فروزنده و همکاران (۱۴۰۳)	فصلنامه مطالعات ملی، سال بیست‌وپنجم، شماره ۴
۹	فراتحلیل مطالعات رابطه رسانه و سبک زندگی در ایران (مطالعه پژوهش‌های انجام شده در سال‌های ۱۳۹۰-۱۴۰۰)	نیازی، محسن و گودرزی، فرشاد (۱۴۰۲)	فصلنامه رسانه، دوره: ۳۴ - شماره: ۳ - صفحه: ۲۷-۵۴
۱۰	فراتحلیل سبک‌زندگی با متغیرهای همبسته آن	گنجی، کامران و همکاران (۱۳۹۶)	سبک‌زندگی اسلامی با محوریت سلامت، دوره دوم، شماره یک
۱۱	فراتحلیل پژوهش‌های سبک‌زندگی با تأکید بر میزان اثرپذیری از شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی زبان (بازه زمانی ۱۳۹۶-۱۳۸۰)	اکبری، حسین و تیموری، محمود (۱۳۹۷)	پژوهش‌های ارتباطی، شماره ۹۴
۱۲	شبکه‌های اجتماعی مجازی و سبک‌زندگی جوانان: فراتحلیل پژوهش‌های پیشین	حسینی، محمدحسین و ذکایی، محمد سعید (۱۳۹۶)	راهبرد اجتماعی-فرهنگی، شماره ۲۲

علاوه بر عناوین مذکور، چند عنوان مطالعه دیگر نیز در قالب روش فرامطالعه به بررسی پژوهش‌های حوزه سبک‌زندگی در ایران پرداخته‌اند؛ این مطالعات عبارت هستند از:

سراج‌زاده و باقری (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «تحلیل نظام‌مند پژوهش‌های سبک‌زندگی بعد از دهه ۸۰» به بررسی و تحلیل ۵۹ منبع علمی شامل مقاله، پایان‌نامه و کتاب از طریق جستجوی واژه «سبک‌زندگی» در پژوهش‌های رشته علوم اجتماعی

^۱ www.noormags.ir

^۲ www.sid.ir

^۳ www.ensani.ir

در پایگاه‌های علمی-تخصصی پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک)، کتابخانه ملی، مجلات تخصصی نور (نورمگز)، اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی و کتابخانه‌های دانشگاه‌های شهر تهران پرداخته‌اند. نتایج این بررسی حاکی از آن است که بیش از دو سوم پژوهش‌های سبک زندگی بین سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ انجام شده است. شش گونه سبک زندگی از این پژوهش‌ها استخراج شده است که بیشترین گونه‌های بررسی شده به ترتیب سبک زندگی شبه مدرن، پیهامدرن یا سنتی، لذت‌محور، علم‌محور، جهان‌محلی و ورزش‌محور اختصاص داشته است.

جواد کیهان و همکاران (۱۴۰۴) در پژوهشی با عنوان «فرا ترکیب مولفه‌های مدیریت اثربخش در تقویت سبک زندگی اسلامی دانش‌آموزان»، تعداد ۴۳ مقاله در زمینه مدیریت اثربخش و تقویت سبک زندگی اسلامی را ارزیابی کرده و در نهایت ۳۰ مقاله به روش هدفمند انتخاب و تحلیل شده‌اند. نتایج این پژوهش نشان داده است که چارچوب‌های معرفتی و ارزشی اسلام می‌تواند تأثیراتی بر رویکردهای فردی دانش‌آموزان داشته باشد. با این حال، در چارچوب اسلامی، مدیریت اثربخش باید به گونه‌ای طراحی شود که توازنی مطلوب بین آزادی‌های فردی و اصول دینی ایجاد کند. روش‌ها و اهداف آموزشی به‌ویژه در زمینه ارزشیابی آموزشی، زمانی که با توجه به ارزش‌های اسلامی تنظیم شوند، می‌توانند نقش اساسی در هدایت دانش‌آموزان به سمت یادگیری اخلاقی و ارتقاء تعامل اجتماعی بر پایه ارزش‌های اسلامی ایفا کنند.

شیخ طاهری و راهی (۱۴۰۴) پژوهش خود با عنوان «علل و عوامل موثر بر تغییرات سبک زندگی جوانان (فرا ترکیب تحقیقات حوزه سبک زندگی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۳)» را با هدف تبیین علل و عوامل موثر بر تغییرات سبک زندگی جوانان با روش فرا ترکیب انجام داده‌اند. در این تحقیق از بین مطالعات حوزه تغییرات سبک زندگی بین سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۳ تعداد ۱۹ پژوهش با توجه به معیار اعتبار و اعتماد ذیل رویکرد فرا ترکیب مورد بررسی قرار گرفته و مفاهیم و مقولات آنها استخراج شده است. نتایج فرا ترکیب پژوهش‌های مرور شده نشان داده است که عواملی مانند شکاف نسلی و کاهش پیوندهای درون نسلی، کسب اجباری سرمایه نمادین، گرایش به تیپ ایده آل مشروع شده و کالایی شدن فرهنگ بیشترین تأثیر را بر تغییرات سبک زندگی جوانان داشته است.

همان گونه که نتایج جستجوهای انجام گرفته نشان می‌دهد، تاکنون هیچ پژوهش مستقلی با تمرکز بر بررسی و فرا تحلیل مطالعات حوزه سبک زندگی ایرانی-اسلامی انجام نگرفته است. در صورتی که مقوله سبک زندگی ایرانی-اسلامی جزو واژگان بسیار پرکاربرد و متداول در عرصه‌های مختلف علمی، رسانه‌ای و سیاستی بوده و پژوهش‌های نسبتاً پرتعدادی هم در ارتباط با آن انجام گرفته است. لذا، پژوهش حاضر در نوع خود تاکنون انجام نشده و بر همین اساس می‌تواند خلأ پژوهشی موجود در این زمینه را پوشش دهد.

۲-۱. پیشینه نظری/مفهومی

ادبیات نظری حوزه سبک زندگی عمدتاً برگرفته از دیدگاه‌های چند تن از صاحب‌نظران حوزه علوم اجتماعی مانند وبلن، وبر، زیمل و بوردیو است؛ بر همین اساس در این بخش، مروری اجمالی بر مهم‌ترین دیدگاه‌های این نظریه‌پردازان که مبنای تعاریف و پژوهش‌های این حوزه قرار داشته‌اند صورت می‌گیرد. ارجاع به این موارد از این حیث حائز اهمیت و کاربردی است که عمده پژوهش‌های صورت گرفته در ادبیات حوزه سبک زندگی به طور عام و سبک زندگی ایرانی-اسلامی به طور خاص در ایران، به این دیدگاه‌ها ارجاع داده‌اند. همچنین تلاش می‌شود تا برخی تلاش‌های صورت گرفته در زمینه صورت‌بندی از سبک زندگی ایرانی-اسلامی نیز اجمالاً مورد تشریح واقع گردد.

تورش‌تاین و بلن و مصرف خودنمایانه: وبلن در تحلیل ریشه‌های اجتماعی-روانشناختی انگیزش‌های رفتاری در قالب سبک‌زندگی (سبک رقابت‌آمیز) و کارکردهای پنهان آن (مانند مصرف چشم‌گیر و خودنمایانه کالاهای تجملی) پیش‌تاز بوده است. اگرچه او به صورت مستقیم به مفهوم سبک‌زندگی نپرداخته، اما در آثار خود از جمله در کتاب نظریه طبقه تن‌آسا، از این اصطلاح به عنوان مبنایی برای تحلیل خود بهره برده است. از نظر وبلن فرد حقیقتی است واحد که از نهادهای اجتماع سرمنشأ می‌گیرد و تجلی این حقیقت در عادات رفتاری، همان سبک‌زندگی فرد است و تجلی آن در ذهن فرد قالب‌های فکری، آگاهی‌ها و تمایلات او را تشکیل می‌دهد (Mahdavi-Kani, 2008: 79-85). تورش‌تاین وبلن این ایده را مطرح کرده که داشتن سبکی خاص به معنای چیزی بیشتر از علایق خاص فراغت است. داشتن سبک زندگی خاص و خودنمایی برای نشان دادن تعلق به گروهی خاص در جامعه به برجسته کردن تمایزهای گروه‌های دیگر منجر شده است» (Gibbins, J. R., & Reimer, 2002: 124). مصرف خودنمایانه‌ای که وبلن مطرح می‌کند، به واسطه رواج ارزش‌های مادی در شرایطی که در جامعه نابرابری وجود دارد بروز و ظهور پیدا می‌کند و افراد از طریق این مصرف متظاهرانه سعی در نشان دادن طبقه خود دارند. البته در بسیاری از موارد افراد طبقات متوسط و یا حتی پایین نیز تلاش دارند از طریق مصرف کالاها و لوازم لوکس و حتی زیورآلات بدلی، خود را به طبقات بالا نزدیک کنند و از این طریق هویتی متفاوت از هویت واقعی خودشان به نمایش بگذارند. برای مثال در خانه‌هایی با مساحت کم تلویزیون‌های بسیار بزرگ، مبلمان لوکس، لوسترهای گران‌قیمت و... دیده می‌شود که حتی صاحبان آن‌ها به‌ضماً با گرفتن وام اینگونه وسایل را تهیه می‌کنند.

جورج زیمل: مفهوم سبک‌زندگی در آثار زیمل جایگاهی محوری داشته است؛ از نظر زیمل هر نوع تعاملی میان انسان‌ها و همچنین میان ایشان و محیط‌شان، توسط دو نیاز هنجاری متناقض هدایت می‌شود: نیاز به یافتن شخصیتی بی‌همتا و نیاز به شناختی اجتماعی از این بی‌همتایی. فرد این شخصیت بی‌همتا (فردیت برتر) را در فرهنگ ذهنی خود می‌جوید و شناخت اجتماعی از آن را در فرهنگ عینی. به بیان دیگر تلاش می‌کند ارزش‌های بنیادین خود را در فرهنگ عینی جستجو کند. از نظر زیمل، سبک، تجسم همین تلاش است. در واقع انسان شکل (صورت)‌هایی را برای معنای مورد نظر خود (فردیت برتر) برمی‌گزیند. این گزینش حاصل توازنی است میان شخصیت ذهنی فرد و زیست محیط عینی و انسانی‌اش. به توان انجام چنین گزینش و انتخابی سلیقه و به این اشکال به هم مرتبط سبک می‌گویند. او سبک را معادل صرف شکل (صورت) قلمداد نمی‌کند؛ در واقع سبک مبین یک رابطه است. رابطه‌ای میان ذهن و عین یا به بیانی عینیت‌بخشی به ذهنیات در قالب اشکال شناخته شده اجتماعی. سبک-یعنی مجموعه‌ای متشکل از شکل‌ها در ارتباط با محتواها (هنجارهای اجتماعی و...) - خود حاصل توسعه و تحول فرهنگ عینی به فرهنگ ذهنی است. از این رو، از نظر زیمل رابطه میان فرهنگ ذهنی و عینی (شخصیت و فرهنگ) اهمیت زیادی برای هر جامعه به خصوص در شکل‌گیری سبک‌زندگی دارد (Mahdavi-Kani, 2008: 86-98).

ماکس وبر: وبر واژه سبک‌زندگی را برای اشاره به شیوه‌های رفتار، لباس پوشیدن، سخن گفتن، اندیشیدن و نگرش‌هایی که مشخص‌کننده گروه‌های منزلتی بودند و در ضمن الگویی بودند برای کسانی که می‌خواستند جزئی از این گروه‌های منزلت باشند به کار گرفت (Sobel, 2002). بر اساس آرای وبر به نظر می‌رسد که سبک‌زندگی پیوستگی بسیار نزدیکی با نوع اشتغال دارد که از طریق تحصیلات رسمی اکتساب می‌شود و می‌تواند برای همگان تحقق یابد. وبر برای سبک‌زندگی کارکردهایی نیز قائل است؛ به اعتقاد وی سبک‌زندگی تفاوت بین گروهی ایجاد می‌کند و به برتری‌های منزلتی و طبقاتی مشروعیت می‌بخشد. گروه‌های منزلت از طریق سبک‌های زندگی به گروه‌های مرجع تبدیل می‌شوند و معیار قضاوت اجتماعی قرار می‌گیرند» (Bocock, 2002). «افزون بر این، انسجام بخشیدن به گروه‌های اجتماعی، کارکرد دیگر سبک‌زندگی است؛ افرادی که سبک‌زندگی مشابهی دارند، نوعی انسجام گروهی را که ناشی از شباهت در رفتار و الگوی مصرف است، تجربه می‌کنند (خادمیان، ۱۳۸۸: ۷۵). بنابراین

می‌توان گفت سبک زندگی از دیدگاه وبر بیشتر جنبه متمایز کننده در قالب گروه‌های منزلتی را دارد و نیز نمود و تبلور گروه‌های منزلت در سبک زندگی و الگوهای مصرف آنها مشخص می‌شود. آن گونه که از برر سی آراء وبر برمی‌آید می‌توان گفت که وی کارکرد دوگانه‌ای (درونی و بیرونی) برای سبک زندگی قائل است؛ از یک سو موجب تفاوت بین گروهی شده و به برتری‌های منزلتی و طبقاتی مشروعیت می‌دهد و از طرف دیگر موجب انسجام درون گروهی می‌شود. به اعتقاد وی سبک زندگی بیش از آن که بر تولید استوار باشد بر شباهت الگوهای مصرف استوار است.

آنتونی گیدنز: گیدنز بیشتر بر کارکردها و پیامدهای سبک زندگی متمرکز شده است. وی سبک زندگی را از این حیث مد نظر قرار می‌دهد که کارکردی هویت بخش برای آن قائل است و اعتقاد دارد افراد سبک زندگی خاصی را برای خود برمی‌گزینند تا از این طریق هویت معینی از خود به نمایش بگذارند و به نوعی به «حکایت‌گویی» از خود بپردازند. وی انتخاب و بازاندیشی در خویشتن را که از پیامدهای زندگی در دنیای مدرن است در بروز و ظهور سبک‌های زندگی مؤثر می‌داند. به اعتقاد وی در زندگی اجتماعی مدرن، مقوله سبک زندگی اهمیت خاصی دارد. وی در کتاب تشخیص و تجدد در عصر جدید می‌نویسد: «افراد در جامعه کنونی هویت خود را به طور مداوم و روزمره ایجاد می‌کنند و در فعالیت‌های بازتابی خویش مورد حفاظت قرار می‌دهند» (Giddens, 1999: 82). سبک‌های زندگی از نظر گیدنز کردارهایی هستند که به جریان عادی زندگی روزمره تبدیل شده‌اند، جریان‌هایی که در لباس پوشیدن، غذا خوردن، شیوه‌های کنش و محیط دلخواه برای ملاقات کردن دیگران جلوه می‌کند. چنین رفتارهایی بازتاب دهنده هویت‌های شخصی، گروهی و اجتماعی‌اند. گیدنز معتقد است گسترش سبک زندگی فردی به جای شیوه زندگی بر مبنای طبقه را می‌توان با قدرت پیدا کردن خویشتن فرد مدرن توضیح داد. به اعتقاد وی، بازاندیشی یکی از مؤلفه‌های دنیای مدرن است؛ بدین معنا که دنیای مدرن یافته‌های حاصل از نظام‌های انتزاعی را مرتباً در سازماندهی مجدد خود به کار می‌برد. گیدنز بر این باور است که یکی از پیامدهای بازاندیشی در خویشتن، پیدایش سبک زندگی است. وی همچنین بر این باور است که در عصر مدرن هر فرد به ناچار دارای نوعی سبک زندگی است که سبک ویژه خود او به شمار می‌رود. وی سبک زندگی را مجموعه‌ای نسبتاً هماهنگ از همه رفتارها و فعالیت‌های یک فرد معین در جریان زندگی روزمره می‌داند (Giddens, 2003: 121).

پیر بوردیو: بوردیو جامعه‌شناسی است که چارچوب تئوریک منظمی برای مفهوم سبک زندگی ارائه داده و در کتاب تمایز خود به طور متمرکز به این مقوله پرداخته است. «می‌توان گفت بوردیو با تلفیق ایده‌های مارکس و وبر به توضیح طبقات اجتماعی می‌پردازد. یعنی مانند مارکس طبقات را بر مبنای عامل اقتصاد لایه‌بندی و همچون وبر درون هر طبقه را بر مبنای سبک‌های زندگی مختلف از یکدیگر متمایز می‌کند. اگر مارکس طبقه را صرفاً اقتصادی می‌دید، بوردیو بر مبنای سرمایه‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی طبقه را تشریح می‌کند. به نظر وی حجم و انواع سرمایه‌ها طبقه را شکل می‌دهد و منش افراد، درون هر طبقه را به یکدیگر وصل می‌کند و بر مبنای این منش مشترک سبک‌های زندگی شکل می‌گیرد» (Hamidi & Faraji, 2007: 70). می‌توان گفت آراء بوردیو به نوعی دربرگیرنده مجموع افکار نظریه‌پردازان قبل از خود می‌باشد. مبحث جدیدی که بوردیو مطرح می‌کند و آن را عامل اصلی مؤثر در شکل‌گیری سبک زندگی می‌داند، موضوع انواع سرمایه است. به اعتقاد وی حجم و انواع سرمایه در شکل‌گیری طبقه و به تبع آن شکل‌گیری منش مشترک در میان افراد یک طبقه باعث به وجود آمدن سبک زندگی مشترک در بین افراد آن طبقه می‌شود. البته تمرکز بوردیو بیشتر بر سرمایه فرهنگی و تأثیر آن بر انتخاب سبک زندگی است. در اینجا است که می‌توان تجمیع آراء سایر نظریه‌پردازان را در افکار بوردیو مشاهده کرد. برای مثال مفهوم سرمایه اقتصادی بوردیو به مفهوم ثروت در نظریه وبلن نزدیک است و مفهوم سرمایه فرهنگی به مفهوم تحصیلات رسمی در نظریه وبر و فضای فرهنگی ذهن افراد در نظریه هالت شبیه است.

روبرت وسنو^۱: مدل نظری وسنو برای تبیین تغییرات فرهنگی، می‌تواند برای شناخت و تحلیل تغییرات سبک‌زندگی مورد استفاده قرار گیرد. این مدل مرکب از سه دسته مفاهیم است و هر مفهوم نیز، خود شامل سه دسته مفهوم مجزا است؛ نخستین دسته از مفاهیمی که وسنو آنها را برای تبیین تغییرات گفتمانی مطرح می‌سازد عبارتند از: «شرایط محیطی»، «بافت‌ها و زمینه‌های نهادی» و «زنجیره‌های کنش». در نظر وسنو مفهوم «شرایط محیطی» به بسترهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی‌ای اطلاق می‌شود که امکان پیدایش گفتمان‌های جدید را فراهم می‌سازد (Wuthnow, 1989a: 6). او می‌نویسد: «شرایط محیطی شامل منابع اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، توزیع منابع مزبور و نرخ‌های تغییر می‌شود. عوامل مزبور، ماهیت الگوهای کلان اجتماعی را تعیین می‌کنند. برخلاف مفاهیم بسیار خاصی همچون بورژوازی یا شهرنشینی که از آنها به منظور نشان دادن صورت‌بندی‌های تاریخی واقعی استفاده می‌شود، مفهوم «شرایط محیطی» یک ابزار کاملاً حساس است که شامل هرگونه مضمون و محتوای تاریخی خاص است. از این رو، باید با استفاده از اصطلاحات عینی‌تر به عملیاتی کردن آن، در مورد هر وضعیت خاص تاریخی پرداخت (Salehi Amiri, 2017: 76). تلقی وسنو از محیط کلان اجتماعی به عنوان «بانک یا ذخیره منابع» در پیوند با مفهوم کلاسیک «ساختار» به عنوان مجموعه‌ای از محدودیت‌ها و فرصت‌ها قرار دارد (Wuthnow, 1989a: 535).

جستجوهای این پژوهش نشان می‌دهد که مقوله سبک‌زندگی ایرانی-اسلامی تاکنون از نظر تئوریک چندان مورد پرداخت و دقت نظر تخصصی قرار نگرفته است؛ به صورتی که اکثر پژوهش‌های انجام شده در این حوزه، که چندان هم پرتعداد نیستند، بر اصطلاح «سبک‌زندگی اسلامی» متمرکز بوده‌اند. تشریح و توصیف این مفهوم در ادبیات نظری موجود نیز، نه مبتنی بر برداشتی تخصصی از مفهوم سبک‌زندگی و التفات به مبانی فلسفی، پیشینه و زمینه شکل‌گیری و استفاده از آن، بلکه به صورتی غیرنظام‌مند و حاشیه‌ای انجام گرفته است. جهت تقریب به ذهن و نشان دادن وضعیت تئوریک مربوط به این مقولات، در ادامه بخشی از محتواهای موجود تشریح می‌گردد.

سبک‌زندگی اسلامی با تمام زندگی افراد و ابعاد آن مرتبط و از جهتی با دیگر سبک‌های زندگی متفاوت است. در جامعه‌شناسی، مدیریت، علوم پزشکی و روانشناسی بالینی و غیره نیز بحث از سبک‌زندگی مطرح است. اما در این قلمروها فقط به رفتاری خاص می‌پردازند و با شناخت‌ها و عواطف ارتباط مستقیم برقرار نمی‌کنند. اما سبک‌زندگی اسلامی، از آن جهت که اسلامی است، نمی‌تواند بی‌ارتباط با عواطف و شناخت‌ها باشد. براین اساس هر رفتاری که بخاهد مبنای اسلامی داشته باشد، باید حداقل‌هایی از شناخت و عواطف اسلامی را پشتوانه خود قرار دهد (Kaviani, 2013: 18). و اگر بخواهیم وجوه گوناگون سبک‌زندگی را در چارچوب آموزه‌های دین اسلام، مطالعه و وضعیت هنجاری و شایسته آن را از این آموزه‌ها استنتاج کنیم، باید به بررسی جنبه‌های متعدد و متنوع سبک‌زندگی در سه سطح کلی نگرش، گرایش و کنش بپردازیم. بخش نگرش ناظر بر مجموعه‌ای نظام‌مند از باورهای دینی است که هویت انسان بر اساس آن تعریف و ترسیم می‌شود. بخش گرایش حاکی از ارزش‌ها و هنجارهایی است که به سلیقه و توانایی ترجیح افراد و گروه‌های اجتماعی جهت می‌دهد. بخش کنش نیز مشتمل بر الگوها و شیوه‌های رفتارهای عینی برگرفته از آموزه‌های اسلامی است. بدین ترتیب، سرمایه فرهنگی برآمده از جهان‌بینی و نظام معنایی دین اسلام، در کنار نمادهای آئینی و شعائر دینی می‌تواند مجموعه پیروان اسلام را به صورت منسجم در شکل‌دهی ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و سلاقی و ترجیحات برآمده از آن یاری دهد. این موضوع می‌تواند به شکل‌گیری الگوهای

¹ Robert wuthnow

ویژه‌ای برای زندگی بیانجامد و نوعی از سبک زندگی دینی را پدید آورد (sedigh sarvestani & hashemi, 2002: 150).

سبک زندگی اسلامی نمی‌تواند بی‌توجه به نیت‌ها باشد. مانند نماز، که اگر خدا و معاد را پشتوانه خود نداشته باشد، رفتار اسلامی محسوب نمی‌شود (kaviani, 2009: 45). دین به عنوان نوعی از هدایت الهی، دگرگونی و آثار عمیق و وسیعی را در اندیشه و روح انسان پدید می‌آورد. در پرتو این دگرگونی که نظام شناخت‌ها و باورها، ارزش‌ها و گرایش‌ها و رفتارها و کردارهای انسان را در بر می‌گیرد، استعدادهای درونی و فطری بشر شکوفا و هدایت می‌شود و مسیری ویژه به تکامل می‌رسد. دین می‌تواند درباره به خدمت گرفتن شاخص‌های مناسب فرهنگ گذشته، اگر مغایرتی با آموزه‌های دینی نداشته باشد، توجه و آن را تایید کند (Javadi Amoli, 2008: 15). لذا اسلام با توجه به مبانی خود دارای سبک زندگی خاصی است که متفاوت از سبک‌های دیگر زندگی می‌باشد، زیرا از آن جهت که سبک است به رفتار می‌پردازد و با شناخت و عواطف ارتباط مستقیم ندارد؛ ولی از آن جهت که اسلامی است، باید ناظر به مبانی آن باشد و نمی‌تواند بی‌ارتباط با عواطف و شناخت باشد. هر رفتاری که بخواهد مبنای اسلامی داشته باشد، باید حداقل‌هایی از شناخت و عواطف اسلامی را پشتوانه خود قرار دهد. در سبک زندگی از دیدگاه‌های دیگر به نیت افراد و عواطف و اعتقادات آن‌ها کاری ندارند و فقط خود رفتار را بررسی می‌کنند ولی سبک زندگی اسلامی نمی‌تواند به نیت افراد کاری نداشته باشد، در عین حال که تأکید آن روی رفتار است، به حداقل‌های شناخت‌ها و عواطف نیز نظر دارد. ممکن است ما در شاخه‌های درخت سبک زندگی، مشترکات بسیاری میان مسلمان و غیر مسلمان بیابیم؛ اما در واقع این‌ها یکسان‌دوری نمی‌شوند. چرا که نگرش‌های زیربنایی افراد بسیار تعیین‌کننده‌اند. با این بیان حتی نخ تسبیح‌هایی وجود دارد که این نگرش‌های کلی را تحت تأثیر خود دارند (kaviani, 2013: 151). از این جهت پرداختن به موضوع جهان‌بینی اهمیت فوق‌العاده‌ای در سبک زندگی دارد و به عنوان پایه و اساس سبک زندگی در تمام ابعاد می‌باشد (Hatami-Shandi, 2014: 50).

۲-۲. الگو/چارچوب تحلیلی

پژوهش حاضر برای بررسی و ارزیابی پژوهش‌های حوزه سبک زندگی، استفاده از یک الگوی تحلیلی چندسطحی برگرفته از مبانی فلسفه علم را پیشنهاد می‌دهد که سه بعد اصلی هستی‌شناسی^۱، غایت‌شناسی^۲ و روش‌شناسی^۳ را در متن نظریه‌ها یا دیدگاه‌های حوزه سبک زندگی در کنار هم بررسی می‌کند. درواقع، منطقاً به نظر می‌رسد که پژوهش‌های حوزه سبک زندگی ایرانی-اسلامی، بایستی نسبت به تفاوت‌های رویکردی و نظری خود در مقایسه با دیدگاه‌های رایج حوزه سبک زندگی واقف بوده و تا حد امکان، این تفاوت‌ها را پررنگ کرده باشند. در چنین بستری، این الگو می‌تواند به عنوان یکی از سازوکارهایی که تفاوت بین پژوهش‌های برگرفته از مبانی نظری رایج در حوزه سبک زندگی و پژوهش‌های مرتبط با سبک زندگی ایرانی-اسلامی را آشکار می‌کند، مورد نظر و استفاده قرار گیرد.

جدول ۲. الگوی تحلیلی بررسی نظریه‌های حوزه سبک زندگی

بعد	مؤلفه‌های اصلی	پرسش‌های راهنما	شاخص‌های ارزیابی
هستی‌شناسی	ماهیت انسان، جهان، جامعه، فرهنگ، ارزش‌ها، اختیار و جبر	سبک زندگی در نظریه مورد نظر بر چه تصویری از انسان و جهان استوار است؟ انسان موجودی مادی است یا دارای ابعاد معنوی؟ نقش دین و ارزش‌ها به عنوان منبع انتخاب‌های سبک زندگی چیست؟	نوع انسان‌شناسی، جهان‌بینی، جایگاه اخلاق، نقش ساختار و عاملیت، تلقی از فرهنگ

^۱ Ontology

^۲ Teleology

^۳ Methodology

غایت‌شناسی	هدف نهایی زندگی، غایت سبک‌زندگی، تعریف از موفقیت، ارزش‌های جهت دهنده	پرسش اصلی این است که غایت و هدف نهایی سبک‌زندگی چیست (رفاه، سعادت، کیفیت زندگی، یا حیات طیبه) سبک زندگی برای چه چیزی است؟ و انسان با اتخاذ یک سبک زندگی خاص به دنبال تحقق چه غایتی است؟	ارزش‌های محوری، هدف زندگی، معیارهای موفقیت، تعریف مطلوبیت
روش‌شناسی	روش تولید دانش، روش تحقیق، سطح تحلیل	سبک زندگی چگونه مطالعه می‌شود؟ از چه روش‌هایی استفاده می‌شود؟	روش‌های کمی یا کیفی، تحلیل تاریخی، مردم‌نگاری، تحلیل گفتمان، روش اجتهادی، روش ترکیبی

برای هریک از نظریه‌های مطرح شده در حوزه سبک‌زندگی، یا مبتنی بر دیدگاه‌های هریک از نظریه‌پردازان (وبر، بوردیو، گیدنز) می‌توان از الگوی تحلیلی فوق استفاده کرد؛ این فرایند از طریق سه مرحله استخراج مبانی هستی‌شناختی نظریه، تحلیل مبانی غایت‌شناختی آن و بررسی روش‌شناسی منتخب انجام می‌شود. سپس نظریه‌ها یا دیدگاه‌های مورد نظر در یک جدول تطبیقی مقایسه می‌شوند. توجه به مقوله غایت‌شناسی، به‌ویژه در تحلیل و مقایسه نظریه‌های سبک‌زندگی ایرانی-اسلامی با نظریه‌های رایج، نقاط اصلی تمایز بین این رویکردها را برجسته خواهد کرد. این الگو، امکان مقایسه نظام‌مند نظریه‌های سبک‌زندگی را فراهم می‌کند؛ برای تحلیل نظریه‌های غربی و اسلامی به صورت هم‌زمان مناسب است؛ و امکان استخراج نقاط اشتراک، تفاوت، قوت و ضعف هر نظریه را در سطوح مبانی و روشی فراهم می‌سازد.

۳. روش پژوهش

در تحقیق حاضر به منظور تصویرسازی یکپارچه و نظام‌مند از مطالعات و پژوهش‌های صورت گرفته در زمینه سبک‌زندگی ایرانی-اسلامی، از روش فراتحلیل کیفی^۱ استفاده شده است. فراتحلیل با نگاه تراکمی نسبت به نتایج فعالیت‌های پژوهشی سعی دارد که تصویری کلی از تحقیقات را در حوزه‌های مختلف ارائه دهد و به پژوهشگر این امکان را بدهد که داده‌های به‌دست آمده از بررسی چندین مطالعه را با هم ترکیب کند و به نتایج جامع‌تری برسد (Maknoun & Salimi, 2018: 8). فراتحلیل کیفی در مطالعاتی که برخی از منابع مورد نظر به روش‌های کیفی انجام شده‌اند یا زمانی که جنبه‌های توصیفی بیش از ابعاد تحلیلی مد نظر باشند و همچنین در مواردی که گزارش‌های مربوط به تحلیل‌های کمی در منابع مورد نظر الگوهای تکرارشونده چندانی نداشته باشند، بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرد (Ke^۲, 2009)؛ بنابراین واحد تحلیل در این‌گونه موارد، مطالعات انفرادی پژوهشگران مختلف در حوزه مورد بررسی است. در واقع در فراتحلیل اطلاعات اولیه از منابع موجود جمع‌آوری و در نهایت ترکیب می‌شود و نتیجه‌ای حاصل می‌شود که تحقیقات منفرد به صورت پراکنده به آن نرسیده‌اند (alibabayi et al, 2009: 21).

فراتحلیل حاضر، با بررسی ادبیات موضوع از طریق مطالعه اسنادی آغاز و سپس با جستجو و گردآوری آثار و منابع لازم ادامه یافت. در این مرحله متون پژوهشی منتشر شده در قالب مقاله با تکیه بر واژگان کلیدی و با استفاده از ظرفیت جستجوی پایگاه‌های مطالعات علمی کشور به شکل نظام‌مند مرور می‌شوند. در این ارتباط، منابع مرتبط با کلید واژگانی نظیر «سبک‌زندگی»، «سبک زندگی ایرانی»، «سبک‌زندگی اسلامی» و «سبک‌زندگی اسلامی-ایرانی» در پرتال جامع علوم انسانی^۳ در بازه زمانی سال ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۴ جستجو، شناسایی و مورد بررسی قرار گرفتند. تمرکز بر منبع مذکور به این دلیل صورت گرفته است که اولاً

^۱ Qualitative Meta- Analysis

^۲ Ke

^۳ . <https://www.ensani.ir>

این پورتال در نمایه‌سازی پژوهش‌های حوزه علوم اجتماعی از اعتبار کافی برخوردار است؛ ثانیاً، بخش غالب منابع موجود در سایر پایگاه‌های اطلاعاتی مشابه، در این پایگاه نیز نمایه شده و رجوع به آن‌ها، آورده‌چندانی برای تکمیل منابع مورد نیاز این مطالعه نداشته است. ملاک ورود به این مطالعه، مقالاتی هستند که در عنوان آن‌ها اصطلاح «سبک‌زندگی ایرانی-اسلامی» یا «سبک‌زندگی اسلامی-ایرانی» ذکر شده باشد و دارای درجه اعتباری علمی-پژوهشی باشند. لذا مقالات همایشی و سایر انواع مقالات از این مطالعه کنار گذاشته شدند. دامنه منابع پژوهش حاضر نیز شامل مطالعات کیفی و کمی بوده است. جستجوی کلیدواژه «سبک‌زندگی» در این پایگاه نشان دهنده وجود ۱۵۳۰ منبع مرتبط است؛ همچنین برای کلیدواژه‌های «سبک‌زندگی اسلامی» و «سبک‌زندگی ایرانی» نیز به ترتیب ۳۶۴ و ۱۰۹ منبع مرتبط در این پایگاه وجود دارد. محدود کردن جستجو به «سبک‌زندگی ایرانی-اسلامی»، منابع مربوطه را به ۶۹ عدد رسانده و از بین این موارد، تعداد ۲۱ مقاله برای تحلیل انتخاب گردید. معیار انتخاب این موارد، توجه به حوزه موضوعی مقالات، سطح کیفی نشریات، کیفیت محتوایی و... بوده است. جدول ۳ فهرست منابع بررسی شده در این پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۳. فهرست پژوهش‌های بررسی شده

ردیف	عنوان پژوهش	مجری و سال	فصلنامه/نشریه
۱	نقش مدیریت شهری در ترویج سبک‌زندگی اسلامی-ایرانی شهروندان	نوذری و زمانی مقدم (۱۳۹۴)	مطالعات اسلام و روان‌شناسی، سال ۹، شماره ۱۷
۲	واکاوی مفهوم سبک‌زندگی اسلامی-ایرانی از دیدگاه مقام معظم رهبری در آینه آیات و روایات	بنائیان سفید و همکاران (۱۳۹۵)	مدیریت فرهنگی، سال نهم، شماره سی ام
۳	بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی موثر بر نمونه آرمانی سبک‌زندگی ایرانی-اسلامی در بین جوانان شهر کرمان	فیروزآبادی، آمنه و همکاران (۱۳۹۵)	علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر، سال دهم، شماره اول، پیاپی ۳۲
۴	شناسایی و ترویج سبک‌زندگی اسلامی ایرانی در جهت دفاع اقتصادی	مهدی طغیانی (۱۳۹۵)	آفاق امنیت، سال نهم، شماره سی و یکم
۵	بررسی نقش مساجد در ترویج سبک‌زندگی ایرانی-اسلامی	باصری، احمد و همکاران (۱۳۹۵)	پاسداری فرهنگی انقلاب اسلامی، سال ششم، شماره ۱۴
۶	ارائه مدل ترویج سبک‌زندگی اسلامی-ایرانی در سیمای جمهوری اسلامی ایران با محوریت برنامه‌های نمایشی	نظری و همکاران (۱۳۹۵)	رسانه و فرهنگ، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ششم، شماره دوم
۷	سبک‌زندگی (ایرانی-اسلامی) و مصرف فرهنگی (مورد مطالعه: شهروندان گرگانی)	شکریگی، عالیه و همکاران (۱۳۹۶)	مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، سال پنجم، شماره نهم
۸	سنجش میزان حریمت خانه‌ها در راستای سبک-زندگی اسلامی-ایرانی (مطالعه موردی: بافت قدیم و جدید شهر یزد)	حکمت‌نیا، حسن (۱۳۹۷)	پژوهش‌های جغرافیای برنامه‌ریزی شهری، دوره ششم، شماره ۳
۹	طراحی مدل سبک‌زندگی ایرانی-اسلامی با رویکرد جامعه‌شناختی	اسماعیلی جوشقانی (۱۳۹۹)	پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال چهاردهم، شماره سوم
۱۰	تأثیر ورزش زورخانه‌ای در نهادینه کردن سبک‌زندگی ایرانی-اسلامی (مورد مطالعه: دانشجویان پسر دانشگاه اصفهان)	صابری، علی و گودرزی، صمد (۱۴۰۰)	مدیریت در دانشگاه اسلامی، سال دهم، شماره ۲
۱۱	بازنمایی فرهنگ و سبک‌زندگی ایرانی اسلامی در تبلیغات تجاری تلویزیون	فریده منشدی پور (۱۴۰۱)	جستارنامه فرهنگ و هنر اسلامی، دوره اول، شماره یک
۱۲	تحلیل جامعه‌شناختی بازنمایی سبک‌زندگی اسلامی ایرانی خانواده در سیمای جمهوری اسلامی	بنی هاشمی، سید محسن و همکاران (۱۴۰۱)	مطالعات میان رشته‌ای ارتباطات و رسانه، دوره پنجم، شماره ۳، پیاپی ۱۷

۱۳	شناسایی مولفه‌های سبک‌زندگی ایرانی-اسلامی به منظور ارتقاء فعالیت‌های انجمن اولیا و مربیان آموزش و پرورش براساس روش دلفی	بختیارنصرآبادی، حسنعلی و همکاران (۱۴۰۱)	پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، سال سی‌ام
۱۴	طراحی الگوی سبک‌زندگی اسلامی ایرانی در راستای بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی (با تأکید بر قدرت نرم)	حیدرنژاد و مقیمی (۱۴۰۱)	مطالعات قدرت نرم، سال دوازدهم، شماره یک، پیاپی ۲۸
۱۵	فهم عوامل زمینه‌ساز فرهنگی در سبک‌زندگی ایرانی-اسلامی	کورنگی بهشتی، سیامک و همکاران (۱۴۰۱)	نشریه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، سال نوزدهم، شماره ۳، پیاپی ۴۱
۱۶	تأملی بر وضعیت سبک‌زندگی اسلامی-ایرانی دانشجویان دانشگاه شهید مدنی آذربایجان	اسدیان، سیروس و کلیجه، نیر حیدری (۱۴۰۱)	مطالعات برنامه درسی آموزش عالی، سال سیزدهم، شماره ۲۶
۱۷	ارزیابی کتاب‌های درسی دوره ابتدایی براساس مولفه‌های سبک‌زندگی ایرانی-اسلامی	رضایی، محمدهاشم و همکاران (۱۴۰۲)	پژوهش‌های برنامه درسی، دوره سیزدهم، شماره دوم، پیاپی ۲۶
۱۸	تحلیل جامعه‌شناختی تأثیر ارزش‌های جوانان بر سبک‌زندگی ایرانی-اسلامی (مورد مطالعه: جوانان بهشهر)	حقیقتیان، منصور و همکاران (۱۴۰۲)	تغییرات اجتماعی-فرهنگی، دوره ۲۱، شماره ۳، پیاپی ۷۸
۱۹	سبک‌زندگی ایرانی-اسلامی زن دوره قاجار براساس دیدگاه سفرنامه‌نویسان خارجی	فروهر، آرمان (۱۴۰۳)	اندیشه سیاسی در اسلام، دوره یازدهم، شماره ۴۰
۲۰	ارائه مدل آسیب‌شناسی پرداخت رسانه‌ای (تلویزیونی) سبک‌زندگی اسلامی-ایرانی	نعمتی انارکی، داود و همکاران (۱۴۰۳)	پژوهش‌های ارتباطی، سال سی‌ویکم، شماره یک، پیاپی ۱۱۷
۲۱	ارزیابی شاخص‌های سبک‌زندگی ایرانی-اسلامی درمحلات شهری (نمونه موردی: محلات مقصودیه و یاغچیان شهر تبریز)	بلالی اسکویی، آریتا و همکاران (۱۴۰۴)	فرهنگ معماری و شهرسازی اسلامی، شماره ۱۰، پیاپی ۱

محدود کردن جستجوی این پژوهش به کلیدواژه «سبک‌زندگی ایرانی-اسلامی» نشان دهنده وجود ۶۹ مقاله فارسی مرتبط با این موضوع بود؛ که پس از حذف موارد نامرتبط، شامل مقالات همایشی و مواردی که در عنوان به سبک‌زندگی ایرانی و اسلامی یا هر اصطلاحی غیر از کلیدواژه مورد نظر اشاره داشته‌اند، در مجموع ۲۱ مقاله‌ای که در عنوان آن‌ها مستقیماً به «سبک‌زندگی ایرانی-اسلامی» یا «سبک‌زندگی اسلامی-ایرانی» اشاره شده بود، برای بررسی بیشتر انتخاب شدند. تلاش محققان این بود که مقالات علمی-پژوهشی و تخصصی منتشر شده در این زمینه مورد تحلیل واقع شوند، لذا مقالاتی همایشی و سایر مقالات از دامنه تحلیل کنار گذاشته شدند. گام بعد در فرایند فراتحلیل تهیه کاربرگ استخراج داده‌ها بود که با مراجعه به نمونه‌های مشابه از فراتحلیل‌های کیفی در ایران (Tavakkol & Erfan-Manesh, 2014. Zakere Salehi & Ghaneirad, 2015. Kermani, 2018) و مشخص ساختن قالب‌های مضمونی لازم برای انجام فرایند پژوهش صورت گرفت؛ این کاربرگ، مبتنی بر الگوی تحلیلی پیشنهادی پژوهش، معطوف به بررسی و رصد تعاریف مفهومی و عملیاتی ارائه شده، رویکردی نظری منتخب و روش‌شناسی منابع مورد مطالعه، تکمیل گردیده است.

در ادامه عناصر مختلف پژوهش‌های مذکور شامل چارچوب نظری یا مفهومی به کار رفته در آن‌ها؛ برداشت صورت گرفته از مفهوم سبک‌زندگی و شاخص‌های سبک‌زندگی ایرانی-اسلامی در آن‌ها مورد توصیف و تفسیر قرار می‌گیرد؛ همچنین به منظور بررسی وضعیت بلوغ یا ثبات مفهومی پژوهش‌های انجام گرفته، سیر زمانی این پژوهش‌ها نیز مورد واکاوی و تحلیل قرار گرفته است. در این پژوهش، تلاش محققان همواره بر این بوده که از طریق سازوکارهای مختلف نظیر استفاده از متون معتبر و قابل اعتماد، توصیف دقیق ابعاد و جزئیات داده‌ها و اطلاعات نظری و تجربی، بازبینی مداوم فرایند تحلیل و استفاده از ظرفیت خبرگان کیفیت و اعتبار لازم برای یک پژوهش علمی تأمین شود. در فرایند توصیف، ترکیب و تحلیل داده‌ها نیز محققان با مراجعه مکرر به متون اصلی و بازبینی فرایند ترکیب سعی نموده‌اند خطا را به حداقل ممکن برسانند. به هر حال، خود بازبینی محقق در فرایند

جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها، یکی از روش‌هایی است که می‌تواند به افزایش قابلیت اعتبار بیانجامد. افزون بر این، خروجی و فرایند کار نیز جهت ارزیابی در اختیار خبرگان و کارشناسان حوزه سبک زندگی قرار گرفته است.

۴. یافته‌ها:

۴-۱. چارچوب نظری/مفهومی و سیر تحول مفهومی

در این بخش، چارچوب نظری/مفهومی هریک از مقالات بررسی شده، مورد واکاوی و توصیف قرار گرفته است. علاوه بر آن تلاش شده است تا از طریق بررسی سیر زمانی انجام پژوهش‌های مذکور، روند تغییر برداشت‌های مفهومی در آن‌ها مورد توجه و بررسی قرار گیرد.

جدول ۴. مبانی نظری مطالعات بررسی شده

ردیف	عنوان پژوهش	چارچوب نظری/مفهومی
۱	نقش مدیریت شهری در ترویج سبک زندگی اسلامی-ایرانی شهروندان	فاقد بخش مجزایی با عنوان چارچوب نظری/مفهومی است.
۲	واکاوی مفهوم سبک زندگی اسلامی-ایرانی از دیدگاه مقام معظم رهبری در آینه آیات و روایات	پژوهش فاقد بخش چارچوب یا مبانی نظری/مفهومی است.
۳	بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر نمونه آرمانی سبک زندگی ایرانی-اسلامی در بین جوانان شهر کرمان	بورديو، زميل، وبر، وبلن؛ نظریه‌های اسلامی سبک زندگی
۴	شناسایی و ترویج سبک زندگی اسلامی ایرانی در جهت دفاع اقتصادی	پژوهش فاقد چارچوب نظری/مفهومی مشخص است.
۵	بررسی نقش مساجد در ترویج سبک زندگی ایرانی-اسلامی	تعریف «مسجد»، «سبک زندگی و ابعاد آن» و «کارکردهای مسجد»
۶	ارائه مدل ترویج سبک زندگی اسلامی-ایرانی در سیمای جمهوری اسلامی ایران با محوریت برنامه‌های نمایشی	سوبل، فیدرستون، وبر، گیدنز، زميل، بورديو و مک کی
۷	سبک زندگی (ایرانی-اسلامی) و مصرف فرهنگی (مورد مطالعه: شهروندان گرگانی)	بورديو، سوبل، چنی، هالت، گیدنز، پیترسون و دی‌ماجیو
۸	سنجش میزان محرمیت خانه‌ها در راستای سبک زندگی اسلامی-ایرانی (مطالعه موردی: بافت قدیم و جدید شهر یزد)	تعاریف شهر اسلامی، آرامش خانه، محرمیت و...
۹	طراحی مدل سبک زندگی ایرانی-اسلامی با رویکرد جامعه‌شناختی	پژوهش فاقد چارچوب نظری/مفهومی مشخص و تفکیک شده است.
۱۰	تأثیر ورزش زورخانه‌ای در نهادینه کردن سبک زندگی ایرانی-اسلامی (مورد مطالعه: دانشجویان پسر دانشگاه اصفهان)	پژوهش فاقد چارچوب نظری/مفهومی است.
۱۱	بازنمایی فرهنگ و سبک زندگی ایرانی اسلامی در تبلیغات تجاری تلویزیون	تعریف «بازنمایی رسانه‌ای»، «نظریه تغییر ارزش‌های اجتماعی»، «نظریه متقاعدسازی»، «سبک زندگی» و «فرهنگ»
۱۲	تحلیل جامعه‌شناختی بازنمایی سبک زندگی اسلامی ایرانی خانواده در سیمای جمهوری اسلامی	تعریف «رسانه و بازنمایی»، «خانواده»، «سبک زندگی»، و «سبک-زندگی اسلامی-ایرانی»
۱۳	شناسایی مولفه‌های سبک زندگی ایرانی-اسلامی به منظور ارتقاء فعالیت‌های انجمن اولیا و مربیان آموزش و پرورش براساس روش دلفی	توحید، نبوت و معاد به عنوان اصلی‌ترین مبانی سبک زندگی اسلامی در نظر گرفته شده است.
۱۴	طراحی الگوی سبک زندگی اسلامی ایرانی در راستای بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی (با تأکید بر قدرت نرم)	وبلن، وبر، زميل، بورديو و کاکرهام، شایگان (۱۳۹۷)، کویانی (۱۳۹۲)، مصباح‌یزدی (۱۳۸۴) و مهدوی‌کنی (۱۳۸۷)
۱۵	فهم عوامل زمینه‌ساز فرهنگی در سبک زندگی ایرانی-اسلامی	تعریف سبک و سبک زندگی ایرانی-اسلامی
۱۶	تأملی بر وضعیت سبک زندگی اسلامی-ایرانی دانشجویان دانشگاه شهید مدنی آذربایجان	پژوهش فاقد بخش چارچوب نظری/مفهومی است.
۱۷	ارزیابی کتاب‌های درسی دوره ابتدایی براساس مولفه‌های سبک زندگی ایرانی-اسلامی	پژوهش فاقد چارچوب مفهومی یا نظری بوده است.
۱۸	تحلیل جامعه‌شناختی تأثیر ارزش‌های جوانان بر سبک زندگی ایرانی-اسلامی (مورد مطالعه: جوانان بهشهر)	مروری بر تاریخچه مفهوم سبک زندگی از آلفرد آدلر تا زميل، بورديو و...

۱۹	سبک‌زندگی ایرانی-اسلامی زن دوره قاجار براساس دیدگاه سفرنامه‌نویسان خارجی	پژوهش فاقد چارچوب نظری منسجم و مشخص است.
۲۰	ارائه مدل آسیب‌شناسی پرداخت رسانه‌ای (تلویزیونی) سبک‌زندگی اسلامی-ایرانی	رویکردهای نظری درباره رسانه، خانواده و سبک‌زندگی
۲۱	ارزیابی شاخص‌های سبک‌زندگی ایرانی-اسلامی در محلات شهری (نمونه موردی: محلات مقصودیه و یاغچیان شهر تبریز)	صرفاً به بیان تعریفی اجمالی از سبک‌زندگی بسنده شده است.

ارزیابی چارچوب نظری/مفهومی به معنای سنجش انتقادی مبانی معرفتی، مفروضات بنیادین، قابلیت تبیین‌کنندگی و انسجام درونی نظریه‌ای است که پژوهش بر آن استوار شده است. این ارزیابی به ویژه در حوزه میان‌رشته‌ای سبک‌زندگی که تلاقی جامعه‌شناسی، روانشناسی، دین‌پژوهی و مطالعات فرهنگی است، اهمیتی مضاعف می‌یابد. کیفیت چارچوب نظری/مفهومی پژوهش‌های مورد بررسی بیش از روش تحقیق این پژوهش‌ها محل نقد و پرسش است؛ در این زمینه، بیش از یک سوم مقالات بررسی شده فاقد هرگونه بخش یا عنوان مجزا در رابطه با مبانی نظری یا مفهومی بوده‌اند. در حدود یک سوم از این پژوهش‌ها به ادبیات نظری مفهوم سبک‌زندگی اشاره‌ای مختصر داشته و مابقی به تناسبات عنوان و مسئله محوری مقالات، صرفاً به مرور تعاریف متغیرهای اصلی پژوهش اکتفا کرده‌اند. این وضعیت نشان‌دهنده آن است که عمده پژوهش‌های انجام گرفته در حوزه سبک‌زندگی ایرانی-اسلامی پیوندی عمیق و معنادار با ادبیات نظری این مقوله، که عمدتاً در رشته جامعه‌شناسی تولید و تثبیت شده است، برقرار نکرده است و صرفاً به برداشتی اولیه و غیرتخصصی از این مفهوم بسنده شده است. در واقع چارچوب‌های نظری به کار رفته در این مقالات از انسجام و کارآمدی مورد انتظار برخوردار نبوده‌اند. در حالی که رویکرد پشتیبان سبک‌زندگی ایرانی-اسلامی بر استخراج مؤلفه‌های سبک‌زندگی از منابع دینی (قرآن، سنت، فقه) تأکید دارد؛ به نظر می‌رسد که بسیاری از پژوهش‌ها بدون ارائه راهکاری برای آشتی میان مفاهیم غربی سبک‌زندگی و مفروضات دین‌محور، بدون توجه به ادبیات تخصصی این مفهوم صرفاً به تلفیقی سطحی از این دو بسنده کرده‌اند. این امر منجر به ایجاد «چارچوب‌های تلفیقی ناهماهنگ» شده که در سطح مفاهیم سازگار، اما در سطح مفروضات بنیادین به نوعی ناهمخوان هستند. در صورتی که، شکل‌گیری چارچوب نظری/مفهومی بالغ و هماهنگ نیازمند بهره‌گیری از رویکردهای جامعه‌شناسان، روانشناسان، متخصصان علوم دینی و مطالعات فرهنگی است.

از نظر سیر تطور پژوهش‌های انجام شده در این حوزه نیز، به نظر می‌رسد که بلوغ مفهومی چندانی طی بازه زمانی مورد بررسی به وقوع نپیوسته و پژوهش‌های ابتدا و انتهای این بازه، از نظر انسجام نظری و مفهومی تفاوت م‌شهودی ندارند. در این زمینه، در مجموع دو دسته مقاله از یکدیگر قابل تفکیک هستند؛ مقالات تبیینی که بر توصیف و تحلیل وضع موجود تأکید دارند؛ و مقالات هنجاری که تأکید بر تجویز وضع مطلوب (عمدتاً با رویکرد دین‌محور) دارند. به نظر می‌رسد که فقدان ادغام مؤثر میان این دو دسته منجر به شکاف میان «آنچه هست» و «آنچه باید باشد» شده است. ضمن آن‌که، در برخی مطالعات کمی، چارچوب نظری صرفاً در بخش مبانی نظری ذکر شده و در طراحی پرسش‌نامه و تحلیل داده‌ها عملاً رها شده است. در مجموع ارزیابی چارچوب‌های نظری مقالات حوزه سبک‌زندگی ایرانی-اسلامی نشان می‌دهد که این حوزه علمی علی‌رغم رشد کمی، با چالش‌های کیفی مهمی مواجه است. تنوع رویکردها از بوردیو تا نظریه زمینه‌ای و پدیدارشناسی، اگرچه نشان‌دهنده غنای روش‌شناختی است، اما فقدان یک چارچوب نظری مورد توافق و انسجام درونی را نیز آشکار می‌سازد.

۴-۲. تعریف و شاخص‌های سبک‌زندگی

در جدول ۵ تعاریف مورد نظر از «سبک‌زندگی ایرانی-اسلامی» و شاخص‌های تعیین شده برای آن در هریک از مقالات، مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.

جدول ۵. تعریف و شاخص‌های سبک‌زندگی در پژوهش‌های بررسی شده

پژوهش	تعریف	شاخص‌ها
۱	تعریف تصریح شده و مشخصی از سبک‌زندگی و سبک‌زندگی ایرانی-اسلامی ارائه نشده است.	بعد اجتماعی (نظم و نظارت اجتماعی، روابط اجتماعی، نشاط اجتماعی)؛ بعد فرهنگی (اخلاق‌گرایی، اوقات فراغت)؛ بعد اقتصادی (الگوی مصرف، محیط‌زیست و توسعه)
۲	تعریفی از سبک‌زندگی ایرانی-اسلامی ارائه نشده است.	اعتقادی، عبادی و اخلاقی؛ سیاسی-اجتماعی؛ زیستی و بدنی؛ زیبایی-شناختی و هنر؛ اقتصادی-حرفه‌ای؛ علمی و فناوری.
۳	تعریفی از سبک‌زندگی ایرانی-اسلامی ارائه نشده است.	اجتماعی، عبادی، باورها، اخلاق، مالی، خانواده، سلامت، تفکر و علم، دفاعی-امنیتی، زمان‌شناسی.
۴	تعریفی از سبک‌زندگی ایرانی-اسلامی ارائه نشده است.	اشاره‌ای به شاخص‌های سبک‌زندگی ایرانی-اسلامی نشده است.
۵	تعریفی از سبک‌زندگی ایرانی-اسلامی ارائه نشده است.	اشاره‌ای به شاخص‌های سبک‌زندگی ایرانی-اسلامی نشده است.
۶	تعریفی از سبک‌زندگی ایرانی-اسلامی ارائه نشده است.	اشاره‌ای به شاخص‌های سبک‌زندگی ایرانی-اسلامی نشده است.
۷	تعریفی از سبک‌زندگی ایرانی-اسلامی ارائه نشده است.	اشاره‌ای به شاخص‌های سبک‌زندگی ایرانی-اسلامی نشده است.
۸	تعریف تصریح شده و مشخصی از سبک‌زندگی و سبک‌زندگی ایرانی-اسلامی ارائه نشده است.	اشاره‌ای به شاخص‌های سبک‌زندگی ایرانی-اسلامی نشده است.
۹	تعریف تصریح شده و مشخصی از سبک‌زندگی و سبک‌زندگی ایرانی-اسلامی ارائه نشده است.	روابط انسانی-اجتماعی، نگرش‌ها و ارزش‌ها، عوامل محیطی، عوامل فردی
۱۰	تعریفی از سبک‌زندگی ایرانی-اسلامی ارائه نشده است.	اجتماعی، عبادی و باورها، اخلاقی، خانوادگی، سلامت، تفکر و علم، دفاعی و امنیتی، زمان‌شناسی، مالی
۱۱	تعریفی از سبک‌زندگی ایرانی-اسلامی ارائه نشده است.	اشاره‌ای به شاخص‌های سبک‌زندگی ایرانی-اسلامی نشده است.
۱۲	تعریف مشخصی از سبک‌زندگی و سبک‌زندگی ایرانی-اسلامی مورد تمرکز واقع نشده است.	شاخص‌های اجتماعی، فرهنگی و مذهبی
۱۳	سبک‌های زندگی اسلامی که در جغرافیای بومی و فرهنگی کشور ایران وجود دارند، سبک‌های زندگی اسلامی ایرانی هستند.	فعالیت‌های فیزیکی، اوقات فراغت، خواب‌ویداری، روابط اجتماعی، روابط خانوادگی، معنویت، ایمنی و آرامش، تغذیه.
۱۴	تعریف تصریح شده و مشخصی از سبک‌زندگی و سبک‌زندگی ایرانی-اسلامی ارائه نشده است.	اشاره‌ای به شاخص‌های سبک‌زندگی ایرانی-اسلامی نشده است.
۱۵	تعریفی از سبک‌زندگی ارائه نشده است. سبک‌زندگی ایرانی-اسلامی، به طور کلی به سبک‌های گوناگون زندگی همه ایرانیان مسلمان گفته می‌شود که تعریف مشخصی ندارد.	مولفه‌های سبک‌زندگی اسلامی شامل اجتماعی، اخلاق، خانواده، سلامت، عبادی، تفکر و علم، دفاعی-امنیتی و باورها و عقاید است.
۱۶	تعریف تصریح شده و مشخصی از سبک‌زندگی و سبک‌زندگی ایرانی-اسلامی ارائه نشده است.	مولفه‌های عبادی، اقتصادی، اجتماعی و شخصی
۱۷	سبک‌زندگی اسلامی و ایرانی، الگوهای رفتاری در حوزه‌های گوناگون زندگی برآمده از جهان‌بینی اسلامی و ایرانی است.	اشاره‌ای به شاخص‌های سبک‌زندگی ایرانی-اسلامی نشده است.
۱۸	سبک‌زندگی ایرانی-اسلامی مجموعه‌ای از رفتارهای سازمان یافته است که متأثر از باورها و ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانی و اسلامی و همچنین متناسب با امیال و خواسته‌های فردی و وضعت محیطی است و وجهه غالب رفتاری یک فرد یا گروهی از افراد شده‌اند.	اشاره‌ای به شاخص‌های سبک‌زندگی ایرانی-اسلامی نشده است.
۱۹	سبک‌زندگی ایرانی-اسلامی به مجموعه رفتارهایی گفته می‌شود که فرد با هویت ایرانی و مذهب اسلام از خود بروز می‌دهد تا نیازهای روزمره و جاری خود را برطرف سازد.	مسکن، شغل، خودآرایی و آرایش، چگونگی استفاده از اوقات فراغت و شرکت در مراسم‌های مذهبی
۲۰	تعریف تصریح شده و مشخصی از سبک‌زندگی و سبک‌زندگی ایرانی-اسلامی ارائه نشده است.	عفاف، پوشش و آرایش براساس فرهنگ اسلامی-ایرانی، صله رحم و الگوهای تعاملات اجتماعی، خانوادگی و فردی با اولویت کودکان، نوجوانان و زنان در سه سطح فرهنگ ملی، عمومی و حرفه‌ای و چهار لایه باورها و مفروضات اساسی، ارزش‌ها، الگوهای رفتاری، مصنوعات و نمادها.

اشاره‌ای به شاخص‌های سبک‌زندگی-ایرانی اسلامی نشده است.	سبک‌زندگی ایرانی-اسلامی آن است که مسلمانان تمامی حرکات و رفتارهای فردی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و در حقیقت همه ابعاد زندگی خود را منطبق بر دستورات و تعالیم و آموزه‌های اسلامی قرار دهند.	۲۱
--	---	----

مهم‌ترین بخش مقاله حاضر، تو صیف و تحلیل تعاریف و شاخص‌های سبک‌زندگی ایرانی-اسلامی است. همان‌طور که جدول فوق نشان می‌دهد، در بیش از دو سوم از مقالات بررسی شده در این پژوهش، تعریف مشخصی از سبک‌زندگی ایرانی-اسلامی ارائه نشده است؛ علاوه بر آن، در یک سوم از مقالات بررسی شده، اساساً تعریف مشخص و دقیقی از مفهوم سبک‌زندگی نیز به دست داده نشده است. به عبارت دیگر، گویی که این مفاهیم بدیهی و مورد اجماع انگاشته شده‌اند. در زمینه شاخص‌های سبک‌زندگی نیز، وضعیت مقالات بررسی شده در این پژوهش تقریباً مشابه با شرایط پیش گفته است؛ به طوری که، حدود نیمی از این مقالات شاخص و مولفه مشخصی برای سبک‌زندگی ایرانی-اسلامی تعیین نکرده‌اند. شاخص‌های معرفی شده در سایر مقالات نیز در چند مورد عیناً برگرفته از پژوهش کاویانی (۱۳۹۲) بوده و متفاوت از موارد دیگر بوده است. شفافیت مفهومی پایین است؛ تعریف عملیاتی دقیقی از «سبک زندگی ایرانی-اسلامی» با مؤلفه‌های سنجش‌پذیر تدوین نشده است. بررسی نظام‌مند مؤلفه‌های تعریف‌شده در مقالات نشان می‌دهد که دامنه این مفهوم از ابعاد صرفاً عبادی (نماز، روزه، حج) تا ابعاد گسترده اقتصادی، سیاسی، دفاعی-امنیتی، علمی-آموزشی و هنری-فرهنگی متغیر است. این گستردگی دامنه اگرچه نشان‌دهنده جامعیت مفهوم است، اما از فقدان یک چارچوب نظری واحد با تعاریف عملیاتی مشخص و شفاف حکایت دارد. این وضعیت بیانگر آن است که عمده پژوهش‌های انجام گرفته در حوزه سبک‌زندگی ایرانی-اسلامی با خلأهایی زیربنایی مواجه بوده و نه تنها امکان فراروی از ابهامات و تعارضات مفهومی مرسوم پیرامون مقوله سبک‌زندگی را نداشته، بلکه حتی در تصریح مفهومی و تعیین شاخص‌های آن نیز ناکام بوده‌اند. ضمن آنکه تعابیر به کار گرفته شده از سبک‌زندگی در پژوهش‌ها و مطالعات انجام شده، تطبیق چندانی با ادبیات نظری و تخصصی مربوطه ندارد؛ پراکندگی و تشتت گسترده در مطالعات این حوزه نیز امکان دسته‌بندی و نظم‌دهی موضوعات را بیش از حد دشوار نموده است. به عبارت دیگر باوجود سهل‌الوصول و آشنا به نظر آمدن مقوله سبک‌زندگی، تصریح مفهومی جامعی از آن متناسب با ویژگی‌های جامعه ایران به دست داده نشده است؛ هرچه هست، عمدتاً یا تکرار برخی از مولفه‌هایی است که در مطالعات و پژوهش‌های ترجمه‌ای به آن‌ها اشاره شده و یا گرفتاری در دام تقلیل‌گرایی، ایدئولوژی‌زدگی یا اخلاط مفهومی است.

۵. بحث

در مجموع بررسی مقالات حاوی عنوان سبک‌زندگی ایرانی-اسلامی مبتنی بر روش‌شناسی پژوهش حاضر، نشان می‌دهد که فضای پژوهشی این حوزه از جامعیت و کفایت لازم برخوردار نبوده است؛ به نحوی که برخی مطالعات صورت گرفته در این زمینه، از جمله مقالات شماره ۴، ۱۳ و ۱۹ درگیر با نواقص مفهومی یا روشی بوده‌اند. اولین نکته در این زمینه، برداشت‌های نظری و مفهومی نسبتاً ناموجه از مفهوم سبک‌زندگی بدون توجه به ادبیات تخصصی مربوطه و یا عدم اشاره به التفات به این تفاوت در متن پژوهش‌های صورت گرفته بوده است؛ به صورتی که تعریف مفهوم سبک‌زندگی در اغلب موارد بدیهی انگاشته شده و تلاش معتبری برای ارائه صورت‌بندی علمی و دقیق از آن صورت نپذیرفته است. در این بستر، صاحب‌نظران از تفاوت بین سبک‌زندگی و شیوه زندگی سخن گفته‌اند، در حالی که برخی از مطالعات صورت گرفته هیچ‌گونه توجهی به چنین تفکیکی نداشته و مواجهه‌ای نام‌گرایانه با مفهوم سبک‌زندگی داشته‌اند. دیگر نقصان موجود در این مطالعات، تقلیل‌گرایی در مواجهه با مفهوم سبک‌زندگی متناسب با زیست شهروند ایرانی بوده است؛ بخشی از این مطالعات مانند مقالات شماره ۸ و ۱۷ عمدتاً مواجهه‌ای نام‌گرایانه با مفهوم و مولفه‌های

سبک زندگی داشته و التفات چندانی به تاریخچه، زمینه شکل گیری و خواستگاه مفهومی آن نداشته‌اند. مورد دیگر، در ارتباط با تعریف و تعیین شاخص‌ها و مولفه‌های سبک زندگی ایرانی-اسلامی است؛ مطالعاتی که با این عنوان انجام گرفته‌اند، دچار یک یا دو خطای پیش گفته بوده و در ارائه صورت بندی معتبری از چستی سبک زندگی و سازوکارهای تغییر آن ناتوان بوده‌اند.

مبانی بر الگوی تحلیلی منتخب در این پژوهش، به نظر می‌رسد که عدم دستیابی به تعریف مشخص و قابل اتکا از سبک زندگی ایرانی-اسلامی در غالب پژوهش‌های این حوزه، عمدتاً برآمده از مواجهه سطحی با ریشه شکل گیری، بی توجهی به خاستگاه نظری و تجربی مفهوم سبک زندگی و عدم التفات به تفاوت‌های اساسی در مبانی هستی شناسی و غایت شناسی در تعاریف و رویکردها است. به طوری که در غالب پژوهش‌هایی که ذیل عنوان سبک زندگی ایرانی-اسلامی انجام گرفته است، سازگاری میان مفروضات هستی شناختی، معرفت شناختی و غایت شناختی چندان موفقیت آمیز انجام نگرفته و براین اساس انسجام درونی بین مولفه‌ها و شاخص‌های به کار رفته نیز ایجاد نشده است. ضمن آنکه، به نظر می‌رسد انطباق مفاهیم نظری تعریف شده با بافت فرهنگی، تاریخی و دینی ایران چندان موفقیت آمیز نبوده است. این به معنای آن نیست که با هیچ روش یا چهارچوبی نمی‌توان به تعریفی قابل قبول از سبک زندگی ایرانی-اسلامی رسید؛ بلکه نشان دهنده آن است که پیش نیاز رسیدن به چنین تعریفی، از مسیر درک درست از ظرایف مفهومی سبک زندگی و تعیین نسبت معقول با تاریخچه و هویت آن ممکن است و نه صرف اشتراک لفظی در کاربرد.

۶. نتیجه گیری

مقاله حاضر ضمن تلاش برای پای بندی به ادبیات مفهومی سبک زندگی، اذعان دارد که این مقوله در سطحی متکثر محقق شده و به صورتی پیشینی و دستوری نمی‌توان با آن مواجه شد. به بیان دیگر، سبک مند بودن زندگی به این معنا است که کنشگران انسانی به صورتی خودآگاه و بازاندیشانه انتخاب‌های مختلف در دسترس خود را مورد ارزیابی قرار داده و از بین آن‌ها دست به گزینش می‌زنند. در این میان، نظام حکمرانی، می‌تواند مبتنی بر نظام ارزش‌های خود به صورت‌های مستقیم یا غیرمستقیم انتخاب-های مرجح را برای شهروندان ترویج یا تسهیل نموده و رغبت و رضایت ایشان را برای گزینش این گونه انتخاب‌ها جلب نماید. در چنین بستری می‌توان از سبک زندگی ایرانی-اسلامی سخن گفت؛ در این زمینه، این نوع سبک زندگی هنگامی محقق می‌شود که شهروندان در لحظه انتخاب به سمت گزینه‌های متناسب با نظام ارزشی زیست ایرانی-اسلامی حرکت نمایند و از گزینه‌های بدیل، که عمدتاً متأثر از نظام ارزشی غرب‌گرا هستند، چشم‌پوشند. این الگوی مطلوب در برگیرنده تمامی رفتارهای شهروندی است که می‌توان آن‌ها را در ارتباط با خداوند، دیگران، خویشن و طبیعت دسته بندی نمود؛ در واقع سبک زندگی ایرانی-اسلامی وقتی محقق می‌شود که شهروندان در مقام کنشگرانی انتخاب‌گر، در هنگامه رفتار به ارزش‌ها و هنجارهای بنیادین زیست ایرانی-اسلامی رجوع نموده و انتخاب‌های همساز و متناسب با آن انجام دهند.

باتوجه به اینکه برداشت‌ها و تعاریف صورت گرفته از سبک زندگی چه در عرصه سیاستی و چه عرصه‌های علمی، عمدتاً با تقلیل گرایی یا مخالطات مفهومی مواجه است، در گام نخست لازم است که نظام حکمرانی به عنوان نهادی سیاستگذار و اجرایی، به تفاوت بین شیوه زندگی و سبک زندگی واقف بوده و در راستای به کارگیری دقیق این مفهوم تلاش نماید. از این منظر، سبک زندگی مقوله‌ای دستوری یا از پیش تعیین شده نیست که بتوان برای آن تعیین تکلیف نمود؛ بلکه وضعیتی است که در آن کنشگران فردی به انتخاب‌هایی سبک مند دست می‌زنند و هر نهاد سیاستگذار یا اجرایی دیگر تنها می‌تواند، عمدتاً هم به صورتی غیرمستقیم و

ضمنی، انتخاب‌های متناسب با ارزش‌های ایرانی-اسلامی را بیش از پیش برای کنشگران تسهیل نموده و از این طریق به سبک-زندگی آن‌ها جهت بخشد. به عبارت دیگر، سبک‌زندگی مقوله‌ای هنجارین و دستوری نیست که بتوان نسخه‌ای تمام و کمال برای آن پیچید و کسی را ملزم به تبعیت از آن دانست؛ بلکه در شرایط فردیت و تکثر، می‌توان کنشگران را دعوت به انتخاب‌های مورد نظر نمود یا تمایل آن‌ها را به آن سمت تغییر داد.

۷. پیشنهادات

مبتنی بر یافته‌های این پژوهش در ادامه پیشنهادهایی در راستای ترویج هرچه بیشتر انتخاب‌های مبتنی بر سبک‌زندگی ایرانی-اسلامی توسط نهادهای سیاستگذار ارائه می‌گردد:

- درک درست و علمی از مفهوم سبک‌زندگی و اقتضای نظری و عملیاتی آن پیش‌نیاز هرگونه کنشگری موثر در این زمینه محسوب می‌گردد. مادامی که برداشت از این مفهوم در سطح سیاست‌گذاری دچار انحراف و اعوجاج باشد و ماهیت دقیق آن مورد توجه قرار نگیرد، سایر تلاش‌ها و اقدامات صورت گرفته نیز به حد لازم و کافی اثربخش نخواهد بود. در این زمینه، می‌توان پیشنهاد داد که تدوین سند جامع سیاستی سبک‌زندگی در دستور کار قرار گیرد.

- ترویج و تسهیل شرایط امکانی زیست ایرانی-اسلامی در عرصه‌های مختلف زندگی؛ در این زمینه نهاد شهرداری می‌تواند به صورتی فعالانه و از طریق فراهم کردن مزیت‌های رقابتی برای گزینش‌های متناسب با ارزش‌های ایرانی-اسلامی در مولفه‌های اصلی سبک‌زندگی اقدام نماید. به عنوان نمونه، در زمینه نوع فراغت و تفریح شهروندان، شهرداری می‌تواند از طریق برگزاری مراسم‌ها و گردهمایی‌های خانوادگی، سنی، نسلی، جنسیتی و... به اقتضاء مناسبت‌های فرهنگی-مذهبی حضور افراد دارای این سبک‌زندگی را در عرصه عمومی بیش از پیش ترویج نموده و از طریق ارائه محتواهای متناسب، انتخاب‌های مبتنی بر سبک‌زندگی ایرانی-اسلامی را عمق و گسترش بخشد.

- تأثیر بر انتخاب‌های سبک‌زندگی کنشگران مقوله‌ای پیچیده، تخصصی، گسترده و فرا دستگاهی است؛ بر این اساس، الگوی زیست و انتخاب‌های شهروندان در زیست روزمره خود در خلأ اتفاق نیفتاده و متأثر از سیاست‌گذاری و اقدامات نهادها و دستگاه‌های گوناگونی است. لذا نهادهای متولی مانند شهرداری، سازمان تبلیغات اسلامی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، نهاد حوزه، سازمان‌های مردم‌نهاد بایستی ضمن توجه به این وضعیت، تلاش کند در فرایندی همکارانه و هم‌افزا به تعریف طرح‌های مشترک پرداخته و تلاش نماید تا به صورتی پیش‌نگر و فعال به تمهید و جهت‌بخشی انتخاب‌های سبک‌مند شهروندان بپردازد.

۸. تعارض منافع

مقاله فاقد هرگونه تعارض منافع می‌باشد.

۹. منابع

- Afra, H., et al. (2018). Meta-analysis of the relationship between cultural capital and lifestyle. Applied sociology, 29(4), 72.[in persian]
- Ahmadi, Y. & ganji, M. & Mohammadi. M. (2021). Meta-analysis of lifestyle studies in Iranian research. Sociology of lifestyle, 6(16).[in persian]
- Akbari, H., & Teymouri, M. (2018). Meta-analysis of lifestyle research with emphasis on the influence of Persian-language satellite networks. Communication research, (94).[in persian]

- Asadian, S., & Kaljeh, N. H. (2022). A reflection on the Islamic-Iranian lifestyle of students at Shahid Madani University of Azerbaijan. Higher Education Planning Studies, 13(26).[in persian] [20.1001.1.25382241.1401.13.26.8.1](https://doi.org/10.1001.1.25382241.1401.13.26.8.1)
- Bababi-Fard, A., et al. (2021). Meta-analysis of factors affecting health-oriented lifestyles in Iran. Feyz, 25(2).[in persian]
- Bakhtiar Nasrabadi, H., et al. (2022). Identifying components of the Iranian-Islamic lifestyle for improving parent-teacher association activities. Research on Islamic education issues, 30.[in persian]
- Banaeian Sefid, M., et al. (2016). Exploring the concept of the Iranian-Islamic lifestyle from the perspective of the Supreme Leader. Cultural management, 9(30).[in persian]
- Bani Hashemi, S. M., et al. (2022). Sociological analysis of the representation of the Iranian-Islamic family lifestyle on Iranian national television. Interdisciplinary Communication and Media Studies, 5(3), 17.[in persian]
- Baseri, A., et al. (2016). Investigating the role of mosques in promoting the Iranian-Islamic lifestyle. Cultural Guardian of the Islamic Revolution, 6(14).[in persian]
- Belali Eskoui, A., et al. (2025). Evaluation of Iranian-Islamic lifestyle indicators in urban neighborhoods. Islamic architectural and urban planning culture, 10(1).[in persian]
- Bocock, R. (2002). Consumption (K. Sabouri, Trans.). Shirazeh Publications. (Original work published 1993)
- Eftekhari, Z. (2007). Conditions of cultural production: The roots of the emergence of critical neorealist cinema in post-revolutionary Iran .Master's thesis, University of Art.[in persian]
- Esmaili Joushqani, M. (2020). Designing a sociological model of the Iranian-Islamic lifestyle. Sociological research, 14(3).[in persian]
- Firoozabadi, A., et al. (2016). Social and cultural factors affecting the ideal Iranian-Islamic lifestyle among youth in Kerman. Social Sciences, Islamic Azad University of Shushtar, 10(1), 32.[in persian]
- Forouhi, A. (2024). The Iranian-Islamic lifestyle of Qajar women based on foreign travel accounts. Political Thought in Islam, 11(40).[in persian] [10.22034/jpti.2025.499978.1390](https://doi.org/10.22034/jpti.2025.499978.1390)
- Ganji, K., et al. (2017). Meta-analysis of lifestyle and its correlated variables. Islamic lifestyle with a focus on health, 2(1).[in persian]
- Gibbins, J. R., & Reimer, B. (2002). The politics of postmodernity (M. Ansari, Trans.). Gam-e No Publications. (Original work published 1999)
- Giddens, A. (1999). Modernity and self-identity (N. Movafaghian, Trans.). Nashr-e Ney. (Original work published 1991)
- Giddens, A. (2003). The consequences of modernity (M. Solasi, Trans.). Markaz Publications. (Original work published 1990)
- Habibpour Gatabi, K. (2016). Lifestyle transformations in Iran. Culture of the Iranian people, (44).[in persian]
- Haghighatian, M., et al. (2023). Sociological analysis of the impact of youth values on the Iranian-Islamic lifestyle. Sociocultural changes, 21(3), 78.[in persian]
- Hamidi, N., & Faraji, M. (2007). Lifestyle and women's clothing in Tehran. cultural changes, 1(1).[in persian]
- Hasani, M. H., & Zekayi, M. S. (2017). Social media and youth lifestyle: A meta-analysis of previous studies. Sociocultural strategy, (22).[in persian]
- Hatami-Shandi, V. (2014). Islamic lifestyle in the domain of citizenship. Master's thesis, Allameh Tabataba'i University.[in persian]

- Hekmatnia, H. (2018). Measuring residential privacy in relation to the Iranian-Islamic lifestyle. *Geography and urban planning research*, 6(3).[in persian]
- Heydarnejad, A., & Moghimi, M. (2022). Designing an Iranian-Islamic lifestyle model based on the Second Step of the Islamic Revolution statement. *Soft power studies*, 12(1), 28.[in persian]
- Hosseinzadeh Arani, S. S., et al. (2017). Meta-analysis of religiosity and lifestyle studies in Iran. *Welfare and social development planning*, 8(33).[in persian]
- Jafarzadeh-Pour, F., et al. (2024). Characteristics and indicators of the Islamic lifestyle: A meta-analysis. *Quarterly Journal of National Studies*, 25(4).[in persian] <https://doi.org/10.22034/rjnsq.2024.457100.1607>
- Javadi Amoli, A. (2008). Thematic interpretation of the Holy Qur'an. Israa Publishing Center.[in persian]
- Kermani, M., et al. (2018). Qualitative meta-analysis of research articles on women's empowerment in Iran. *Social psychological studies of women*, 16(2).[in persian]
- Kaviani, M. (2009). Islamic education: From general goals to behavioral objectives. *Journal of Interdisciplinary Research on the Holy Quran*, (3).[in persian]
- Kaviani, M. (2013). Islamic lifestyle and its measurement instrument. *Seminary and university research*.[in persian]
- Ke, F. (2009). A qualitative meta-analysis of computer games as learning tools. *Handbook of research on effective electronic gaming in education*, 1: 1-32.
- Keyhan, J., et al. (2025). Meta-synthesis of effective management components in strengthening students' Islamic lifestyle. *Research in Islamic education and upbringing*, 6(2).[in persian] [10.48310/riet.2025.18683.1384](https://doi.org/10.48310/riet.2025.18683.1384)
- Khademian, T. (2009). Lifestyle and cultural consumption. Jahan book Publications.[in persian]
- Korangi Beheshti, S., et al. (2022). Understanding cultural contextual factors in the Iranian-Islamic lifestyle. *Social Sciences*, Ferdowsi University of Mashhad, 19(3), 41.[in persian] doi.org/10.22067/social.2022.75180.1138
- Mahdavi-Kani, M. S. (2008). The concept of lifestyle and its scope in social sciences. *Cultural research*, 1(1).[in persian]
- Mahdizadeh, H. (2013). Future and lifestyle: The emergence of lifestyle as an independent field of study. *Sureh Thought*, 69-84.[in persian]
- Maknoun, R., & Salimi, J. (2015). Qualitative meta-analysis of governance studies in Iran. *Public administration*. [in persian] [10.22059/jipa.2018.228757.1945](https://doi.org/10.22059/jipa.2018.228757.1945)
- Manshadi-Pour, F. (2022). Representation of Iranian-Islamic culture and lifestyle in television commercials. *Islamic Culture and Art Journal*, 1(1).[in persian]
- Milner, A., & Browitt, J. (2008). An introduction to contemporary cultural theory (J. Mohammadi, Trans.). Qoqnoos Publications.
- Nazari, K., et al. (2016). Presenting a model for promoting the Iranian-Islamic lifestyle through Iranian national television. *Media and culture*, 6(2).[in persian]
- Nemati Anaraki, D., et al. (2024). A pathology model for media treatment of the Iranian-Islamic lifestyle. *Communication research*, 31(1), 117.[in persian] <https://doi.org/10.22082/cr.2023.2006377.2568>
- Niazi, M., & Goudarzi, F. (2023). Meta-analysis of media and lifestyle studies in Iran. *Media Quarterly*, 34(3), 27-54.[in persian] [10.22034/bmsp.2022.332539.1695](https://doi.org/10.22034/bmsp.2022.332539.1695)
- Nodeh Farahani, E. (2022). Cultural policy and lifestyle in the first phase of the Islamic Revolution. *Islam and Social Sciences*, 14(27).[in persian]
- Norouzi, M., et al. (2015). Meta-analysis of lifestyle studies in Iran with emphasis on women and youth. *Iranian Social Science Studies*, 12(47).[in persian]

- Nouri, Z., et al. (2020). Meta-analysis of lifestyle and social identity studies in Iran. *Contemporary Sociological Research*, 9(16).[in persian]
- Nozari, M., & Zamani Moghaddam, A. (2015). The role of urban management in promoting citizens' Iranian-Islamic lifestyle. *Islamic Studies and Psychology*, 9(17).[in persian]
- Rezaei, M. H., et al. (2023). Evaluation of primary school textbooks based on Iranian-Islamic lifestyle components. *Curriculum planning research*, 13(2), 26.[in persian]
- Ritzer, G. (2009). *Contemporary sociological theory* (M. Solasi, Trans.). Elmi Publications. (Original work published 2008)
- Saberi, A., & Goudarzi, S. (2021). The effect of traditional Zurkhaneh sports on institutionalizing the Iranian-Islamic lifestyle. *Management at Islamic University*, 10(2).[in persian]
- Salehi Amiri, S. R. (2017). *Cultural concepts and theories*. 8th ed. Qoqnoos Publications.[in persian]
- Serajzadeh, H., & Bagheri, L. (2017). Systematic analysis of lifestyle research after the 2000s in Iran. *Culture and Communication Studies*, 18(37).[in persian]
- Shafaei, M., et al. (2024). Qualitative meta-analysis of the role of architecture in the lifestyle of Iranians. *Islamic architectural and urban planning culture*, 9(2).[in persian] doi:[10.61186/ciauj.9.2.157](https://doi.org/10.61186/ciauj.9.2.157)
- Sheikh-Taheri, M. R., & Rahi, H. R. (2025). Causes and factors affecting changes in youth lifestyles. *Sociology of lifestyle*. Advance online publication.[in persian]
- Shekarbeygi, A., et al. (2017). Iranian-Islamic lifestyle and cultural consumption. *Studies on the Iranian Islamic Progress Model*, 5(9).[in persian]
- Taghiani, M. (2016). Identifying and promoting the Iranian-Islamic lifestyle for economic resistance. *Security Horizons*, 9(31).[in persian]
- Tavakkol, M., & Erfan-Manesh, I. (2014). Qualitative meta-analysis of scientific articles on brain drain in Iran. *Journal of Social Problems of Iran*, 5(1).[in persian]
- Vadahhir, A., & Ghazi Tabatabaei, M. (2010). *Meta-analysis in social and behavioral research*. Jame'eh-Shenasan Publications.[in persian]
- Vosoughi, M., & Khajehzadeh, N. (2015). Lifestyle as a form of resistance. *Quarterly Journal of Sociological Studies of Youth*, 6(18).[in persian]
- Wuthnow, R. (n.d.). *Sociology of culture: Art, literature, and thought* (M. Mehrayin, Trans.). Elmi va Farhangi Publications.
- Wuthnow, Robert. (1989a). *Communities of Discourse, Ideology and Social Structure in the Reformantion, the Enlightenment, and European Socialism*. Cambridge: Harvard uni. Press.
- Wuthnow, Robert. (1989b). *Meaning and Moral Order, Explorations in Cultural Analysis*. California: University of California Press.
- Zakere Salehi, G., & Ghaneirad, M. A. (2015). Systematic review and meta-analysis of Iranian research in social studies of science and technology. *Iranian Social Studies*, 9(2).[in persian]